

## بخاطر گو بیدن سنتهای غلط

جالبترین رویدادهای تاریخی در سال پنجم هجرت جنگ احزاب و سرگذشت بنی قریظه و ازدواج پیامبر با زینب دختر جحش است. و سرآغاز این حوادث؛ طبق نوشته نویسندگان اسلامی ازدواج پیامبر با انوی فوق الذکر بوده است.

قرآن مجید داستان مزبور را طی آیه‌های: ۴ و ۶ و ۳۶ تا ۴۰، بیان کرده دیگر مجالی برای دروغ‌پردازی خاورشناسان و رومان‌نویسان نگذارده است؛ و ما این حادثه را از صحیحترین و ارزنده‌ترین سند تاریخی اسلام (قرآن) بررسی کرده و در شماره آینده سخنان خاورشناسان را دقیقاً بررسی مینمائیم.

### زید بن حارثه کیست؟!

زید جوانی است که در دوران کودکی؛ غارتگران بیابانگرد عرب او را از قافله‌ای ربوده و در بارار «عکاظ» به‌نوان غلام فروخته بودند، و حکیم بن حزام او را برای عمه خود خدیجه خریده وی نیز او را به محمد (ص) پس از ازدواج، بخشیده بود؛ اکنون زید غلام «محمد» است.

روحیات پاک و عواطف عالی؛ و اخلاق نیک پیامبر باعث شد که زید شیفته وی گردد و حتی، پس از مدتی که پدر زید برای بردن فرزند خود وارد مکه گردید و از ساحت مقدس «محمد» خواست که او را آزاد سازد، تا او را بسوی مادر و فامیل ببرد، زید حاضر بر اجرت نشد، و محضر پیامبر را بر همه چیز از دیار و وطن و خویشاوندان ترجیح داد، و رسول خدا او را در انتخاب هر يك از اقامت و مراجعت مخ و مختار ساخت.

این جذب به معنوی، و عواطف قلبی از دو طرف بود، اگر زید از صمیم دل شیفته اخلاق و عواطف پیامبر بود، رسول خدا نیز متقابلاً او را دوست میداشت، بطوریکه او را بفرزندى انتخاب کرده و مردم باو، بجای زید بن حارثه زید بن محمد می‌گفتند. و برای رسمیت پیدا کردن این موضوع

روزی دست او را گرفت ، و خطاب بمردم قریش کرد و فرمود :

این فرزند من است ، و ما از یکدیگر ارث می‌بریم ، این علاقه قلبی همچنان باقی بود ، تا اینکه زید در جنگ مویه بدرود زندگی گفت ؛ و پیامبر از مرگ او بسان مرگ يك فرزند متأثر گردید .

### زید با دختر عمه پیامبر ازدواج میکنند

یکی از اهداف مقدس پیامبر اکرم این است که اختلاف طبقاتی را کمتر سازد ، و تمام افراد بشر را تحت لواء انسانیت و پرهیز کاری گرد آورد ، و ملاک فضیلت و شخصیت را فضائل اخلاقی و سجایای انسانی معرفی نماید . بنا بر این هر چه زودتر ، رسوم زشت کهن عرب که دختران اشراف نباید با زواج طبقهٔ نهمی دست درآیند ، باید کویده شود چه بهتر که این بر نامه را از فامیل خود آغاز کند ، و دختر عمه خود «زینب» را که نوه عبدالمطلب بود ، بازد اج غلام سابق خود آزاد شده آنر و زدر آورد ، تا مردم بدانند که این مرزهای موهوم هر چه زودتر بایست از میان برداشته شود و نیز بدانند که هر گاه پیامبر بمردم میگوید : ملاک برتری تقوی و پرهیز کاریست ، و دختر مسلمان هم‌شان مرد مسلمان است ، خود او اول عامل و مجری قانون است .

برای سر کوب ساختن يك چنین رسم غلط ، پیامبر شخصاً بخانه زینب رفت و رسماً او را برای زید خواستگاری کرد ، وی و برادرش در آغاز کار تن به چنین کاری ندادند ، زیرا هنوز افکار دوران جاهلیت از اعماق قلوب آنها ریشه کن نشده بود ؛ با اینکه رد فرمان پیامبر بر آنها ناگوار بود ، سوا بق غلام بودن زید را بهانه قرار داده و از پذیرفتن درخواست پیامبر ، شانه خالی کردند ، چیزی نگذشت يك وحی نازل گردید و عمل زینب و برادری را در این باره تقبیح کرد و چنین فرمود :

هیچ مرد وزن مؤمنی در صورتیکه خدا و رسول او در بارهٔ آنها تصمیمی گرفت ، اختیاری از خود ندارد و هر کس خدا و پیامبر او را مخالفت کند ، آشکارا گمراه است (۱)

پیامبر فوراً آیه را برای آنها فروخواند ، ایمان باک زینب و برادری «عبدالله» نسبت بساحت مقدس پیامبر اسلام و اهداف مقدس وی ، باعث شد که فوراً دختر «حش» رضایت خود را اعلام کند ، و در نتیجه ، اشراف زاده‌ای بازدواج غلام «محمد» درآمد و از این ناحیه گوشه‌ای

(۱) و ما كان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضی الله ورسوله امران یكون لهما الخیرة من امرهم و

من یعص الله ورسوله فقد ضل الا مبیناً (احزاب آیه ۳۶)

از بر نامه‌های حیات بخش اسلام اجراء گردید ، و روش غلطی عملا کوبیده شد

### زید از همسر خود جدا میشود

سرانجام این ازدواج روی علی که اشاره میشود بطلاق منجر گردید ، برخی میگویند: که عامل جدائی روحیات همسرا و د، که پستی حسب و نسب شوهر خود را بر خوی میکشید ؛ و از عظمت خاندان خود سخن میراند ، و از این راه زندگی را بر او تلخ میساخت ولی احتمال دارد ، که عامل طلاق خود زید باشد ، زیرا بیوگرافی وی گواهی میدهد ، که در او يك روح انزوا و دوری و خلقی ناسازگاری بوده زیرا بطور مکرر همسر انتخاب کرده و همرا (حز آخری که در حباله عقد او بود تاروزی که زید در یکی از جنگها کشته شد) طلاق داده و از آنها جدا شده است و این طلاقهای پیاپی ، حاکی از يك روح ناسازگاری در زید است .

گواه دیگر براینکه زید در این حادثه سهمیم بوده ، همان خطاب تند پیامبر اکرم است ، زیرا وقتی او آگاه شد که پسر خوانده او تصمیم گرفته که همسر خود را طلاق دهد سخت بر آشفت و فرمود: **اَمْسِكْ عَلَیْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللّٰهَ** (احزاب آیه ۳۷) : همسر خود را نگاه دار و از خشم خداوند بپرهیز ؛ هر گاه تقصیر همه جانبه متوجه همسر او بوده ، در چنین صورت جدائی زید بر خلاف تقوی و پرهیز کاری نبوده است ولی بالاخره زید به تصمیم خود جامعه عمل پوشانید و از زینب جدا شد .

### ازدواج مجدد برای برانداختن يك روش غلط دیگر

پیش از آنکه علت اساسی این ازدواج را بررسی کنیم ، ناچاریم موضوع نسب را که يك عامل حیاتی برای يك اجتماع صحیح است در نظر بگیریم ؛ و بطور مسلم نسب مثلا پدری و پسری يك ریشه تکوینی دارد ، و در حقیقت ؛ پدر يك مبداء مادی برای پیدایش فرزندان است ، و فرزندان وارث صفات جسمانی و روحیات پدران و مادران میباشد ، و روی این یگانگی و همخوانی پدر و فرزند وارث اموال و ثروت یکدیگر میگردند ، و احکام مخصوصی در باب ازدواج و طلاق پیدا میکنند .

بنا بر این يك چنین موضوع که ریشه تکوینی دارد ، با لفظ و زبان درست نمیشود (۱) و پسر خوانده انسان ؛ هرگز پسر واقعی انسان نمیگردد تا چه رسد که پسر خوانده در يك سلسله از احکام از قبیل ارث و ازدواج و طلاق مانند پسر واقعی انسان گردد ، مثلا گاه پسر واقعی از پدر ارث میبرد و بالعکس ، و یا همسر فرزند واقعی پس از طلاق برای پدر اولاد حرام است ، بگوئیم که پسر خوانده نیز در این قسمتها با او شریک است .

بطور مسلم يك چنین تشریك علاوه بر این که مبداء صحیح ندارد ، يك نوع بازیگری با

عامل مهم (نسب) يك اجتماع صحيح است .

بنا بر این پسر خواندن هر گاه بمنظور توسعه و ابراز عواطف است بسیار مستحسن و بجا میباشد ، ولی اگر بمنظور تشریک در یک سلسله احکام اجتماعی است که همگی از يك موضوع تکوینی سرچشمه میگردد ، بسیار دوزخ حسابهای دقیق اجتماعی است .

جامعه عرب پسر خوانده را مانند پسر واقعی فرض میکردند ، پیامبر مأمور گردید که این روش غلط دیگر را بوسیله ازدواج با زینب که سابقاً همسر پسر خوانده او (زید) بود ؛ از بین ببرد و این شیوه ناستوده را با عمل که اثر آن پیش از گفتن و جعل قانون است از میان مردم عرب بردارد ، و این ازدواج علتی جز این نداشته است از آنجا که کمتر کسی جرأت داشت ، که این برنامه را در دنیای آنروز که ازدواج با پسر خوانده قبیح مصنوعی غریبی داشت اجرا کند ، خداوند پیامبر را رسماً برای این کار دعوت فرمود . چنانکه میفرماید :

هنگامیکه زید زینب را طلاق داد ، او را با ازدواج تو در آوردیم تا برای مؤمنان درباره همسران پسر خوانده خود هنگامیکه آنها را طلاق میدهند ، محدودیتی نباشد (۱)

ما تصور میکنیم که این ازدواج علاوه بر اینکه يك سنت غلطی را کوبید ، بزرگترین مظهر برای مساوات و برابری قرار گرفت زیرا هر چه عالیقدر اسلام با بانویی ازدواج کرد که سابقاً همسر آن شده او بوده است ؛ و در دنیای آنروز يك چنین ازدواج مخالف با شئون اجتماع آنروز شمرده میشد .

این اقدام شجاعانه موجی از اعتراض و انتقاد را از جانب منافقان و کوناه فکران بوجود آورد ؛ و در هر جا بعنوان يك امر مستنکر ، میگفتند که «محمد» با همسر پسر خوانده خود ازدواج کرده است .

قرآن برای سرکوب ساختن اینگونه افکار ، آیه یرافرو فرستاد **ماکان محمد اباً احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین** (احزاب آیه ۴۰) یعنی محمد پدر یکی از مردان شما نیست ، اوستی جز اینکه رسول خدا و خاتم پیامبران است ندارد .

قرآن باین اکتفا نکرد ، پیامبر خود را که در اجراء فرمان خدا شجاع و بی باک بود ؛ با آیه های ۳۸ و ۳۹ ستود و خلاصه این دو آیه اینست که : محمد پسران اثر پیامبران است ؛ که پیامهای خدا را می رسانند و در اطاعت فرمان خدا از هیچ کس نمی ترسند .

اینست فلسفه ازدواج محمد (ص) با زینب و در شماره آینده نظریه خاورشناسان را دقیقاً برسی میکنیم .

(۱) فلما قضی زید منها وطراً زوجنا کها لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی ازواج ادعیائهم

اذا قضاوا منهن وطراً (احزاب آیه ۳۷)